

مبارک‌دانی‌ها: ۸ کلید برای یک زندگی پربرکت (مطالعه موعظه بر کوه) (متی ۵: ۱-۱۲. ESV)

درک موعظه کوه: مانیفست پادشاهی

برخی این خطابه که به «سخنرانی در کوه» معروف است را بزرگترین خطابه ای می‌دانند که هرگز توسط بزرگترین معلمی که تا به حال زیسته است، یعنی خداوندگار عیسی مسیح، ایراد شده است. این سنت آگوستین (۳۵۴-۴۳۰) بود که برای اولین بار این موعظه را «موعظه روی کوه» نامید. بسیاری عیسی را در حال سخن گفتن به جمعیتی از دامنه یک کوه تصور می‌کنند، اما عیسی احتمالاً این پیام را از تپه‌ای در شمال دریای Galilee ارائه داده است، مکانی که من بارها در اسرائیل از آن بازدید کرده‌ام. عیسی می‌توانست صدای خود را به بسیاری از افراد پایین‌تر از خود بر روی تپه برساند.

در مطالعه امروز، بخش اول موعظه را که «بخت‌های نیک» نامیده می‌شود، بررسی خواهیم کرد. مفسران کتاب مقدس این بخش آغازین از موعظه او را «نگرش‌های زیبا» می‌نامند، زیرا شخصیت مؤمن حقیقی در مسیح را آشکار می‌سازد. این موعظه سه فصل از انجیل متی را در بر می‌گیرد، اما آنچه ما می‌خوانیم احتمالاً نسخه کوتاه‌شده‌ای از سخنرانی اصلی است که عیسی ایراد کرده بود. به یاد داشته باشید که شاگردان و پیروان او مایل‌ها راه پیمودند تا صدای او را بشنوند، بنابراین احتمالاً بیشتر روز را آنجا ماندند.

چرا «بخت‌آفرین‌ها» امروز اهمیت دارند: یافتن امید در شکستگی

یکی از چیزهایی که در مورد موعظه بر کوه دوست دارم این است که چگونه با همه سخن می‌گوید. همه ما مشتاق برکت یافتن و خوشبختی هستیم؛ وقتی گرسنه هستیم، می‌خواهیم سیر شویم. همه ما به بخشش نیاز داریم، و وقتی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیریم یا احساس شکستگی می‌کنیم، می‌خواهیم بدانیم که شفا و برکت را می‌توان در میان شکستگی‌هایمان یافت. عیسی با مردمی سخن می‌گفت که ریاکاری رهبران مذهبی آن زمان و بی‌عدالتی نظام سیاسی را می‌دیدند. آنها احساس سرکوبی می‌کردند و بسیاری، بی‌شک، خود را لایق نمی‌دانستند. عیسی این پیام شگفت‌انگیز را به اشتراک گذاشت که همه را برابر می‌دانست. همه در یک سطح بودند و نیازهای یکسانی داشتند. عیسی گفت این راه ملکوت است و هر کسی که خود را فروتن سازد تا این سخنان را بپذیرد، می‌تواند آن را تجربه کند. خداوند طرز فکر دنیوی را برداشت و آن را وارونه ساخت. ضعیفان، فروتنان دل، و ماتم‌زدگان — عیسی گفت اینها دلیلی برای شادمانی داشتند! سخنان او مستقیماً بر دل مردم می‌نشست. او به آنچه در درون انسان می‌گذشت اهمیت می‌داد. عیسی اصول پادشاهی روحانی را برای همه قابل دسترس ساخت. خوشبختی‌ها مانند کلیدهایی هستند که اصول پادشاهی را می‌گشایند و راه‌های خدا را آشکار می‌سازند. هنگامی که این اصول را می‌خوانید و درک می‌کنید، برکت و امیدی را که این کلمات به این زندگی و ابدیت می‌آورند، تجربه خواهید کرد.

عیسی، مانند بسیاری از واعظان امروزی که با آیه‌ای از کتاب مقدس آغاز می‌کنند، با یک بیانیه چشم‌انداز یا مانیفست شروع می‌کند که نیت‌ها یا اقدامات او بر روی زمین را تشریح می‌کند. باقی موعظه بر این مقدمه گسترش می‌یابد و تمرکز ما را به «نگرش‌های زیبا» ی گوناگونی معطوف می‌سازد که به ما در مورد چگونگی زیستن راهنمایی می‌کنند. چهار برکت اول بر رابطه ما با خدا تأکید دارند، در حالی که چهار برکت آخر بر ارتباط ما با دیگران تأکید می‌کنند. هر نگرش بر پایه نگرش قبلی بنا شده است و اول و آخر آن پاداش را توصیف می‌کنند: «ملکوت آسمان» (آیات ۳ و ۱۰).

«خوشبخت» واقعاً به چه معناست؟ (معنای یونانی «ماکاریوس»)

هشت فضیلت همگی با کلمه «خوشا» آغاز می‌شوند که اصطلاح یونانی «ماکاریوس» (*Makarios*) است. این کلمه اغلب در انگلیسی به معنای «شاد» (Happy) ترجمه می‌شود، اما معنای اصلی یونانی آن «مورد تأیید روحانی خدا بودن» است. کسی که خدا او را برکت می‌دهد، لطف او را دریافت کرده است! بله، این امر او را شاد می‌کند، اما خوشحالی او از تأیید خدا ناشی می‌شود. «خوشا» همچنین می‌تواند به معنای «تبریک» ترجمه شود، اما چرا به ما تبریک گفته می‌شود؟ اگر در مسیح یسوع هستید، شما توسط خدا برگزیده و فراخوانده شده‌اید، زیرا هیچ‌کس بدون دعوت از سوی پادشاه پادشاهان وارد پادشاهی خدا نمی‌شود (متی ۲۷: ۱۱). هیچ‌کس از طریق عقل یا لیاقت وارد پادشاهی خدا نمی‌شود؛ بلکه ما به عنوان مؤمنان به مسیح، به طور مطلق توسط محبت و فیض خدا فراخوانده و دعوت شده‌ایم (رومان ۸: ۲۹-۳۰).

برخی بر این باورند که تنها دوازده شاگرد برای شنیدن تعلیمات او گرد هم آمده بودند، اما کلمه «شاگرد» (آیه ۱) به معنای «پیرو» است. همچنین، در پایان موعظه ذکر شده است که «جمعیت از تعلیم او حیران شدند» (متی ۷: ۲۸). مطلب قبلی پیش از این سخنرانی نیز به ما می‌گوید: «جمعیت زیادی از جلیل و ده‌شهر و از اورشلیم و یهودیه و از آن سوی اردن به دنبال او آمدند» (متی ۴: ۲۵).

عیسی طبق رسم ربانی نشست، شاید بر صخره‌ای در دامنه تپه، و به تعلیم پرداخت:

او وقتی جمعیتی را دید، به کوه رفت و نشست، و شاگردانش نزد او آمدند. ^۲دهانش را گشود و به ایشان تعلیم داد و گفت: ^۳خوشا به حال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. ^۴خوشا به حال کسانی که ماتم می‌دارند، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. ^۵خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد. ^۶خوشا به حال کسانی که برای عدالت گرسنه و تشنه هستند، زیرا ایشان سیر خواهند شد. ^۷خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا رحم خواهند یافت. ^۸خوشا به حال پاک‌دلان، زیرا خدا را خواهند دید. ^۹خوشا به حال صلح‌جویان، زیرا فرزندان خدا خوانده خواهند شد. ^{۱۰}خوشا به حال کسانی که به خاطر عدالت آزار می‌بینند، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است. ^{۱۱}خوشا به حال شما هنگامی که دیگران شما را دشنام می‌دهند و آزار می‌دهند و به دروغ هر گونه بدی را به حساب من بر شما نسبت می‌دهند. ^{۱۲}شادمان و خوشحال باشید، زیرا پاداش شما در آسمان بزرگ است، زیرا آنان انبیای پیش از شما را نیز چنین آزار دادند (متی ۵: ۱-۱۲).

کدام یک از این ویژگی‌های شخصیتی دشوارتر به نظر می‌رسد و چرا؟

چهار خوشبختی اول: رابطه ما با خدا

خوشا به حال فقیران در روح

عیسی این پیام را از پایین‌ترین پلکان—یعنی تهی‌دستی روحی—شروع می‌کند. مسیر به سوی عظمت، فروتنی را می‌طلبد. انسان‌ها زمانی از نظر روحانی توسط خدا برکت می‌یابند که روحشان فروتن باشد. برخی ممکن است این را به این معنا تفسیر کنند که باید از تمام دارایی‌ها دست کشید و برای همیشه به یک صومعه پناه برد و از هر چیز دنیوی چشم پوشید. اگرچه این ممکن است برای عده‌ای اندک طبق هدایت خدا برنامه باشد، اما تمرکز در اینجا بر فقر روحانی است، نه کمبود مالی. در سراسر جهان، برخی خود را لایق نمی‌دانند و از نظام این دنیا خسته شده‌اند. آنها می‌توانند امید پیدا کنند! پادشاهی آسمان به آنها داده می‌شود. کسانی که نیاز خود را می‌بینند، خود را در موقعیتی قرار می‌دهند تا آنچه را خدا در پادشاهی خود برایشان آماده کرده است، دریافت کنند.

وقتی مردم به نقطه‌ای در زندگی می‌رسند که احساس می‌کنند کاملاً تحت فشار هستند، شروع به نگاه کردن به بالا و فریاد زدن به درگاه خدا می‌کنند. این شکستگی مانند پایین‌ترین پله نردبان روحانی است. شکستگی نمایانگر حال فقر روح است. در زبان یونانی اصلی، کلمه «*ptochus*» به معنای «کوچک شدن و خود را جمع کردن مانند یک گدای مضطرب» است. مفسر، آر. کنت هیوز، بینشی در مورد دلیل انتخاب این کلمه توسط عیسی به جای اصطلاح یونانی متفاوتی که معمولاً برای توصیف یک فرد فقیر به کار می‌رود، ارائه می‌دهد.

آموزش جدید این ایده را با توصیف فقر چنان شدیدی منعکس می‌کند که فرد مجبور است برای تأمین معاش خود گدایی کند. آنها کاملاً به سخاوت دیگران وابسته‌اند و بدون آن نمی‌توانند زنده بمانند. بنابراین، یک ترجمه عالی «فقیر گدایانه‌وار» است.^۱

چرا عیسی به طور خاص این کلمه را که توصیف‌گر «فقر گدایی» است، انتخاب کرد؟

ما می‌گوییم که وقتی مردم به خود می‌آیند و درمی‌یابند که هیچ چیز برای عرضه در پیشگاه خدای مقدس ندارند، یعنی هیچ پارسایی ساخته‌ی خود، و از نظر روحانی کاملاً فقیر و تهی‌دست و ورشکسته‌اند، آنگاه است که نزد خدا لطف می‌یابند.

^۱ آر. کنت هیوز، موعظه بر کوه. منتشر شده توسط کراس‌وی بوکس، ویتون، ایلینوی، ۲۰۰۱. صفحه ۱۷.

«خداوند با متکبران مقاومت می‌کند اما به فروتنان فیض می‌بخشد» (اول پطرس ۵: ۵-۶). در آیه‌ای دیگر از کتاب مقدس، خداوند عیسی تمثیلی را برای توضیح نخستین خوشبختی، که پایین‌ترین پله نردبان روحانی است، بیان کرد.

او این تمثیل را نیز برای برخی از کسانی بیان کرد که به خود می‌بالیدند که پارسایان اند و دیگران را به چشم حقارت می‌نگریستند: «دو مرد برای نماز به معبد رفتند، یکی فریسی و دیگری عمالیقی. فریسی به تنهایی ایستاد و چنین دعا کرد: «خداوند، از تو سپاسگزارم که من مانند سایر مردم، زورگیران، بی‌انصافان، زناکاران یا حتی مانند این عمال نیستم. من هفته‌ای دو بار روزه می‌گیرم؛ از هر آنچه به دست می‌آورم، عشر می‌دهم.» اما آن عمال، از دور ایستاده، حتی جرأت نمی‌کرد چشم‌هایش را به آسمان بدوزد، بلکه سینه‌اش را می‌زد و می‌گفت، «خداوند، بر من گناهکار رحم کن!»^{۱۴} «به شما می‌گویم، این مرد نسبت به آن دیگری، با حقانیت به خانه خود رفت. زیرا هر که خود را بزرگ سازد، کوچک خواهد شد، و هر که خود را کوچک سازد، بزرگ خواهد شد.» (لوقا ۱۸: ۹-۱۴).

حقیقت این است که مردم تا زمانی که با تواضع و احساس فقر روحانی به درگاه پدر آسمانی نیایند و برای آمرزش او التماس نکنند و آشکارا شکستگی و ویرانی روحانی خود را در پیشگاه خدای مقدس اقرار ننمایند، به سوی او نمی‌آیند. متن یونانی بر جمله پایانی تأکید دارد: «خوشا به حال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.»، زیرا ملکوت آسمان تنها از آن ایشان است. این فراخوان به فروتنی باید همه ما را به سوی صلیب هدایت کند و تضمین نماید که ما واقعاً توبه کرده و فقر روحانی خود را پذیرفته‌ایم (متی ۱۸: ۲۵). به این ترتیب، ما به جایگاه درست در پیشگاه خدا دست می‌یابیم. هنگامی که نیاز خود به آمرزش را درک می‌کنیم، پدر پاسخ می‌دهد و ما را از طریق قدرت رستگاری‌بخش صلیب، به پارسایی خود می‌پوشاند. این یک ارتقاء نیست؛ بلکه تبادلی کامل است، یعنی پارسایی ما در ازای پارسایی کامل او.

خوشا به حال کسانی که ماتم می‌دارند (آیه ۴).

این فقر روحانی باید ما را به سوگواری بر هر نگرشی در درونمان که از آن عیسی مسیح نیست، وادارد، همان‌طور که زن گناهکار بر پاهای عیسی در ضیافت شمعون فریسی گریست (لوقا ۷: ۳۶-۴۹). اگر ما واقعاً به نقطه‌ای رسیده‌ایم که ورشکستگی روحانی خود را اعلام کنیم، گام بعدی، واکنش احساسی است که ما را به سوگواری بر هر آنچه در درونمان خدا را ناخشنود ساخته، وامی‌دارد. همه چیز را رها کنید. خود را از هر آنچه بر شما سنگین است سبک کنید: «بار خود را بر یهوه بینهار و او تو را نگاه خواهد داشت؛ او هرگز نخواهد گذاشت که قدیس خود را متزلزل شود» (مزمو ۲۲: ۵۵). ما نباید برای کارهایی که انجام داده‌ایم توجیه بیاوریم، بلکه باید از انجام هر کاری که می‌دانیم خودخواهانه و ناخوشایند خداوند بوده است، بیزار باشیم. در حضور خداوند صادق و آسیب‌پذیر باشید؛ به هر حال، او از هر کاری که کرده‌ایم و انگیزه‌هایمان آگاه است. هیچ چیز از او پنهان نیست (عبرانیان ۴: ۱۳).

کلمه یونانی که به «سوگواری» ترجمه شده، «پنیتو» است؛ این کلمه به معنای اندوهگین بودن و تجربه غم قلب است که اغلب به گریه می‌انجامد. خداوند سوگواری را زمانی که ما را به تغییر قلیمان وامی‌دارد، برکت می‌خواند؛ اغلب پس از آنکه به خاطر آنچه گناه به سر ما یا دیگران آورده، درد می‌کشیم. خداوند رنج ما را درک می‌کند و اشک‌هایمان را می‌بیند. هنگامی که فرزندان اسرائیل در دوران بردگی‌شان در مصر به درگاه خدا فریاد برآوردند، خداوند با فرستادن موسی، رهایی‌بخش، برای آزاد کردنشان مداخله کرد (خروج ۲: ۲۳-۲۴).

هنگامی که درد بر ما غلبه می‌کند و به گریه می‌افتیم، خدا از طریق حضور تسلی‌بخش، برای تسلی دادن ما مداخله می‌کند. کلمه «تسلی» در آیه ۴، شکل فعلی «پاراکلتوس» است، نامی که عیسی به روح القدس داد (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷). ترجمه‌های انگلیسی مختلف از این واژه یونانی اصلی عبارتند از: تسلی‌دهنده (Comforter) (نسخه کینگ جیمز)، مشاور (Counselor) (نسخه بین‌المللی جدید)، وکیل (Advocate) (نسخه انگلیسی جدید)، و یاری‌گر (Helper) (نسخه استاندارد انگلیسی).

«پاراکلتوس» واژه‌ای دشوار برای ترجمه است زیرا به معنای کسی است که در کنار ما خوانده می‌شود. خداوند هنگامی که ما در سوگ هستیم، در کنار ما می‌آید. او آنچه را ما احساس می‌کنیم، احساس می‌کند، و با ضعف‌های ما همدردی می‌کند و درد ما را تجربه می‌نماید (عبرانیان ۴: ۱۵). هنگامی که عیسی در راه دمشق با شائول، که پولس رسول شد، روبرو گشت، خداوند به او گفت: «چرا مرا آزار می‌دهی؟» (اعمال رسولان ۹: ۴). خود عیسی مورد آزار قرار نمی‌گرفت، اما درد مردمش را که توسط شائول مورد آزار قرار می‌گرفتند، احساس می‌کرد. دردی که ما تحمل می‌کنیم، قلب خدای ما را لمس می‌کند.

اشک‌های ما برای خدا گران‌بهاست. حتی زمانی که اشکی در کار نباشد، این نگرش قلب است که خدا به آن پاسخ می‌دهد. کتاب مقدس می‌گوید: «**خداوند به دل‌شکستگان نزدیک است و روح‌سوختگان را می‌پذیرد**» (مزمور ۳۴: ۱۸).

ما باید چه چیزی را سوگوار باشیم—چه در خودمان و چه در آنچه در اطرافمان می‌بینیم؟

موضوع دیگری که باید برای آن اندوهگین باشیم، وضعیت جهان در نافرمانی از خدا و امور شریری است که در این زندگی ما را احاطه کرده است. کافی است امروز به اخبار نگاه یا گوش دهید تا رنج عظیمی را که بشریت و خلقت خدا تحمل می‌کنند، ببینید. یک مؤمن حقیقی مشتاق احیای خلقت خداست. هنگامی که ما برای وضعیت این جهان ماتم می‌گیریم، در دل خدا برای بشریت شریک می‌شویم و مشتاقانه منتظر زمانی هستیم که پادشاهی خدا آشکار خواهد شد. برای سوگواری صحیح، باید بفهمیم گناه چه می‌کند. گناه ما را از خدا جدا می‌کند، قوانین و راه‌های او را پایمال می‌نماید و ما را از شادی حضور او محروم می‌سازد.

امروزه، رایج است که معلمان و رهبران کلیسا تنها بر جنبه‌های مثبت تمرکز کنند و نیاز به ماتم یا اندوه واقعی را دست‌کم بگیرند. با این حال، اگر شما با قلب خدا در ارتباط باشید، مشتاق خواهید بود که راه‌های او آشکار شود و دیگران به رابطه با او بازگردند. اگر این‌گونه نیست، از خدا بخواهید که قلب شما را نرم سازد. اگر گناه در زندگی‌تان شما را غمگین نمی‌کند، از خدا بخواهید قلبتان را نرم کند و بار دیگر دل او را به شما نشان دهد. در این سوی بهشت، ما هرگز به نقطه‌ای نخواهیم رسید که از گناه اندوهگین نباشیم. حتی پولس رسول نیز هنگام نوشتن به مؤمنان روم بر گناهان خود اندوه می‌خورد: «**زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است، اما من جسمانی هستم، فروخته شده زیر دست گناه. زیرا من اعمال خود را درک نمی‌کنم. زیرا آنچه را که می‌خواهم انجام نمی‌دهم، بلکه آنچه را که از آن متنفرم را انجام می‌دهم**» (رومان ۷: ۱۴-۱۵). در آیه ۲۴، او این‌گونه از خود یاد می‌کند: «**وای بر من انسان بیچاره! چه کسی مرا از این بدن مرگ‌رهایی خواهد بخشید؟ شکر خدا را که به واسطهٔ خداوند ما عیسی مسیح، سپاس!**» (رومان ۷: ۲۴-۲۵). این نوعی سوگواری است.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که سوگواری، احساس اندوه بر از دست دادن و اشتیاق به آنچه می‌دانیم هنوز محقق نشده است، می‌باشد.

خوشا به حال فروتنان (آیه ۵)

مراد خداوند از این سخن که «خداوند از فروتنان روحاناً خشنود است» چه بود؟ واژه «فروتن» توصیف اسب نر وحشی‌ای است که پس از شکستن خودسری‌اش، قدرتش تحت کنترل درآمده است. این حیوان با رام شدن، از قدرت خود چیزی از دست نمی‌دهد؛ بلکه برای اهداف سودمند مناسب می‌شود. فروتنی نشان‌دهنده هم‌استاد شدن اراده با اراده خدا و دلالت بر خویش‌داری در مواجهه با سختی‌ها و آزمایش‌ها دارد. نمونه‌ای ما خداوندگار عیسی است که «**وقتی به او ناسزا گفتند، ناسزا نگفت؛ وقتی رنج می‌کشید، تهدید نکرد، بلکه خود را به دست کسی سپرد که به عدالت دآوری می‌کند**» (اول پطرس ۲: ۲۳). گاو‌ها با یوک بسته شدن به حیوان دیگری که بالغ‌تر بود، آموزش داده می‌شدند. به نظرم عیسی به این موضوع اشاره کرد وقتی که فرمود: «**به سوی من آید، ای همه زحمت‌کشیدگان و بارگران‌کشیدگان، و من به شما آرامشی خواهم داد**».^{۲۹} **«یوغ من را بر خود ببندید و از من بیاموزید، زیرا من نرم‌خو و فروتن در دل هستم، و شما نیز برای جان‌های خود آرام خواهید یافت»**.^{۳۰} زیرا یوغ من نرم و بارم سبک است» (متی ۱۱: ۲۸-۳۰ تأکید از من است). هنگامی که به مسیح می‌آییم و روح او وارد زندگی‌مان می‌شود، ما به خداوند «یوغ زده» یا «متحد» می‌شویم: «**اما هر که به خداوند متحد شود، با او یک روح می‌شود**» (اول قرنتیان ۶: ۱۷). وقتی وارد رابطه عهدی با مسیح می‌شویم، روح خدا فروتنی و ملایمت مسیح را به ما عطا می‌کند، که به معنای قدرت تحت کنترل است.

خوشا به حال گرسنگان و تشنگان (آیه ۶)

چهارمین خوشبختی بار دیگر بر نگرش ما نسبت به خدا تأکید می‌کند. مؤمنانی که واقعاً از نو متولد شده‌اند و روح خدا در آنها زندگی می‌کند، همیشه مشتاق و گرسنهٔ برقراری رابطه درست با خدا هستند. درون فرزندان خدا، اشتیاق و آرزویی برای عدالت او رشد می‌کند. پیش از آنکه با خداوند عیسی ملاقات کنم، شنیدن نام او یا یادگیری دربارهٔ خدا برای من هیچ معنایی نداشت. اما پس از مواجهه با مسیح، هر چیزی را که به حقیقت خدا و خداوند عیسی مربوط می‌شد، دنبال کردم و جذب کردم. فقط شنیدن نام عیسی در یک گفتگوی نزدیک باعث می‌شد با دقت گوش دهم. خدا در درون ما اشتیاقی برمی‌انگیزد که فرزندان را به سوی امور مربوط به خود سوق می‌دهد. هرچه بیشتر بر کلام او مراقبه کنید، او را بشناسید و حضورش را

تجربه کنید، بیشتر از چیزهایی که با شخصیت او مخالف است، اندوهگین خواهید شد. آیا وقتی عاشق کسی هستیم، همین‌طور نیست؟ وقتی درباره کسی که دوستش داریم، حرف‌های منفی زده می‌شود، عمیقاً آزرده می‌شویم. روح‌القدس به ما اشتیاقی برای تغذیه معنوی و تمنایی برای درک حضور خدا و تجربه عمیق‌تر او می‌بخشد.

با بررسی اقلیم بیابانی اسرائیل، در می‌یابیم که در زمان عیسی، سفر طولانی بدون آب غیرممکن بود. بنابراین، هنگامی که داوود از دست شاه Saul پنهان می‌شد، مجبور بود از یک چشمه آب به چشمه دیگر نقل مکان کند. با اینکه او چنین سختی‌هایی را به دست پادشاه شاول تحمل کرد، تشنگی خود برای آب را به اشتیاقش برای خدا تشبیه کرد و گفت: «ای خدا، تو خدای من هستی؛ من با اشتیاق تو را می‌جویم؛ جانم برای تشنه است؛ تنم برای ناتوان است، همچون سرزمینی خشک و خسته که در آن آبی نیست» (مزور ۶۳: ۱). یک خستگی وجود دارد که وقتی می‌بینیم شرّ این همه گسترده در اطراف ماست، به سراغمان می‌آید. استراتژی شیطان این است که «قدیسان اعلی را فرسوده خواهد کرد» (دانیال ۷: ۲۵). خداوند، که همه چیز را می‌بیند و با مبارزات قوم خود آشناست، کسانی را که تشنگی و گرسنگی برای عدالت دارند، همواره در جایگاه درست در نظر می‌گیرد؛ او آنها را از نظر روحانی پسندیده یا برکت‌یافته می‌نامد.

چهار برکت آخر: رابطه ما با دیگران

خوشا به حال رحمدلان (آیه ۷)

اکنون به چهار خوشبختی می‌پردازیم که بر اطرافیان ما تمرکز دارند. این خوشبختی‌ها به ما می‌آموزند که به محض اینکه وارد یک رابطه عهدی با خدا شویم، با او همراهی را آغاز کنیم و رحمت او را بپذیریم، نگرش فیض‌آمیز او نسبت به دیگران در درون ما سرریز خواهد شد. مؤمنان به مسیح به طور طبیعی می‌خواهند رحمت خدا را با اطرافیان خود تقسیم کنند. هنگامی که اجازه می‌دهیم روح خدا ما را هدایت کند، انگیزه پیدا می‌کنیم تا به کسانی که دردی می‌کشند و به او نیاز دارند کمک کنیم. ما برای افرادی که دوران سختی را می‌گذرانند، دلسوزی خواهیم کرد.

این درس برای شمعون فریسی زمانی که زن گناهکار به سوی عیسی آمد و در پای او گریه می‌کرد، بسیار حیاتی بود (لوقا ۷: ۳۶-۴۹). شمعون با وجود اینکه قلب زن تحت تأثیر عیسی قرار گرفته بود، هیچ دلسوزی‌ای نسبت به او نشان نداد. اما یک شخص مهربان، گناه و ناخوشی گذشته خود را به یاد می‌آورد و می‌تواند رحمت خدا را به دیگران نشان دهد. از آنجا که شمعون هرگز بار گناهان خود را احساس نکرده بود، برای آن زن دلسوزی نداشت. عیسی توضیح داد که عشق پاسخ به آمرزش گناه است و بر بدهی بخشیده شده آن زن تأکید کرد.

افرادی که از بخشیده شدن گناهانشان سپاسگزارند، تمایل دارند وقتی دیگران در حقشان گناه می‌کنند، از آنها چشم‌پوشی کنند. چشم‌پوشی کردن به معنای بخشودن، رها کردن، یا معاف کردن آنها از سرزنش، مسئولیت، تکلیف یا سختی است. وقتی مؤمنان این نگرش را در جهان به کار می‌گیرند، اغلب در چارچوب نظام فعلی، غیرطبیعی به نظر می‌رسد. عیسی این‌گونه زندگی کرد، و حتی هنگامی که به صلیب کشیده می‌شد، به کسانی که میخ‌ها را در دستانش کوبیده بودند رحم کرد و دعا کرد: «ای پدر، ایشان را بیمارز زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند» (لوقا ۲۳: ۳۴).

خداوند اغلب ایمان بندگان را با قرار دادن آنها در موقعیت‌هایی که باید به کسی پاسخ دهند که قبلاً به آنها آسیب رسانده است، می‌آزماید. آیا هنوز می‌خواهیم آنها را برای کاری که در حق ما کرده‌اند مجازات ببینیم؟ آیا می‌توانیم به کسانی که شایسته آن نیستند، فیض و رحمت نشان دهیم؟ پس از تجربه رحمت خدا در طول این آزمون، خداوند ما را بر اساس نحوه رفتارمان با دیگران داوری می‌کند. در جای دیگری، خداوند تمثیلی در مورد این نگرش رحیمانه بیان کرده است:

²¹سپس پطرس نزد عیسی آمد و پرسید: «ای خداوند، چند بار باید برادرم را که بر من گناه می‌کند ببخشم؟ تا هفت بار؟» ²²عیسی پاسخ داد: «به تو می‌گویم، نه فقط هفت بار، بلکه هفتاد و هفت بار!» ²³به همین سبب، پادشاهی آسمان مانند پادشاهی است که می‌خواست حساب‌های خود را با بندگان تسویه کند. ²⁴وقتی رسیدگی‌ها را آغاز کرد، بدهکاری نزد او آوردند که ده هزار تالانت بدهکار بود. ²⁵چون آن مرد قادر به پرداخت نبود، صاحبش دستور داد او را همراه همسر و فرزندان و هر آنچه داشت بفروشند تا بدهی‌اش ادا شود. ²⁶سپس آن غلام به زانو درآمد و گفت: «صبر کن، من همه را پس می‌دهم.» ²⁷مالکش به او رحم کرد، بدهی‌اش را بخشید و او را آزاد ساخت. ²⁸اما وقتی آن غلام بیرون رفت، یکی از غلامان هم‌خدمتش را که صد دینار به او بدهکار بود یافت. او را گرفت و شروع به خفه‌کردن او کرد

و گفت: «آنچه به من بدهکار هستی، پس بده!»²⁹ پس غلام هم خدمتش به زمین افتاد و از او التماس کرد: «با من مدارا کن، و من به تو باز پرداخت خواهم کرد.»³⁰ اما او نپذیرفت. بلکه رفت و آن مرد را به زندان انداخت تا بدهی‌اش را بپردازد. وقتی سایر غلامانش آنچه را رخ داده بودند دیدند، سخت اندوهگین شدند و رفتند و همه این ماجرا را برای صاحبشان بازگو کردند.³² سپس صاحبش او را فراخواند و گفت: «ای غلام شریر! من تمام بدهی‌ات را بخشیدم چون از من خواهش کردی.»⁽³³⁾ آیا نباید نسبت به بردهٔ همسالت، رحم می‌کردی، همان‌طور که من نسبت به تو رحم کردم؟³⁴ در خشم، صاحبش او را به زندان‌بانان سپرد تا شکنجه‌اش کنند تا زمانی که تمام بدهی‌اش را بازپرداخت کند.³⁵ پدر آسمانی من نیز با هر یک از شما چنین رفتار خواهد کرد، مگر آنکه از صمیم قلب به برادر خود ببخشید» (متی ۱۸: ۲۱-۳۵).

آیا تا به حال توسط والدین، دوستان یا همسران از نظر عاطفی آسیب دیده‌اید؟ آیا می‌توانید آنها را از مجازاتی که فکر می‌کنید به خاطر ظلم‌هایی که در حق شما کرده‌اند سزاوار آن هستند، رها کنید؟ بار دیگر، کلمه «آنها» در متن یونانی تأکید دارد: «خوشا به حال رحم‌کنندگان، زیرا آنها رحمت خواهند یافت»، به این معنی که [تنها آنها] رحمت خواهند یافت. وقتی به دیگری می‌بخشیم، روح خود را نیز از باری که ناشی از رنج و دردی است که بخشش نکردن ما را به آن زنجیر کرده، آزاد می‌کنیم. این یک اصل معنوی به همان اندازه بنیادی است که یک اصل فیزیکی مانند جاذبه است.

خوشا به حال پاکدلان (آیه ۸).

عیسی در اینجا به پاکسازی درونی و شستشو با آب به واسطه کلام خدا (افسیان ۵: ۲۶) اشاره می‌کند. مؤمن به مسیح تقدیس می‌شود، یا توسط خدا برای خود او جدا می‌شود. مؤمن پس از ایمان آوردن به مسیح، آزمایش‌هایی را که خداوند آماده کرده است تجربه می‌کند—زمان‌هایی که خدا او را به چالش می‌کشد، انگیزه‌ها را دگرگون می‌سازد و قلب را پاک می‌کند. این وعده زیباست: کسانی که دلشان توسط خداوند پاک شده است، خدا را خواهند دید. این پاداش بزرگ بهشت خواهد بود: «آنها چهره او را خواهند دید و نام او بر پیشانی‌شان خواهد بود» (مکاشفه ۴: ۲۲). نام خدا، شخصیت او را منعکس می‌کند. نام‌های متعدد خدا نمایانگر جنبه‌های مختلف ذات او هستند، بنابراین این می‌تواند یک نشان واقعی باشد یا راهی شاعرانه برای بیان اینکه مالکیت او بر مؤمن است.

خوشا به حال صلح‌سازان (آیه ۹).

صلح‌جو یک واژه غیرفعال نیست؛ بلکه به کسی گفته می‌شود که فعالانه برای ترویج صلح تلاش می‌کند. این خوشبختی به کسی اشاره دارد که با فروپاشی دیوارهای میان مردم و همسو کردن دیگران با خدا، صلح را آغاز می‌کند. یک صلح‌جو کسی است که مایل است برای رویارویی و افشای علل تفرقه و نفاق، درد را به جان بخرد. آنها به مردم کمک می‌کنند تا با خدا آشتی کنند و اغلب موهبت بشارت‌گری را دارند. می‌خواهم لحظه‌ای مکث کنم و از شما بپرسم: رابطه شما با خدا در حال حاضر چگونه است؟ آیا بین خود و او دیواری احساس می‌کنید؟ خدا صلح‌جو است و ما، به عنوان پیروان او، باید صلح‌جو باشیم. ما باید ابتدا با خدا در صلح باشیم و سپس صلح او را به دیگران گسترش دهیم.

می‌خواهم تصور کنید که ناگهان، همه مردم روی زمین شروع به زندگی و عمل بر اساس اصول معنوی موعظه بر کوه می‌کنند. چه تغییرات فوری‌ای در دنیای خود خواهیم دید؟

خوشا به حال آزادیدگان (آیه ۱۰).

وقتی این ویژگی‌های شخصیتی در درون ما باشند، نور، تاریکی را در اطرافیان ما آشکار می‌کند و اغلب تلافی می‌شود، به‌ویژه زمانی که ما دیگران را با انجیل روبرو می‌کنیم. عیسی گفت: «بنده از صاحبش بزرگتر نیست. اگر آنها مرا آزار دادند، شما را نیز آزار خواهند داد» (یوحنا ۱۵: ۲۰). ما باید همیشه هوشیار و بیدار باشیم زیرا در قلمرو دشمن زندگی می‌کنیم و جنگی علیه خداوند و پیروان او در جریان است. اغلب، دشمن از افراد تأثیرگذار اطراف ما استفاده می‌کند تا سخنان دلسردکننده را به ما برسانند. کسانی که نظراتشان برای ما ارزش دارد ممکن است سخنان تندی با ما یا درباره کسی که ما او را خدمت می‌کنیم، بگویند. ما نباید از این حملات شگفت‌زده شویم، بلکه باید خوشحال باشیم که برای رنج کشیدن به خاطر نام او شایسته دانسته شده‌ایم.

«خوشا به حال شما که دیگران شما را دشنام می‌دهند و آزار می‌رسانند و به دروغ هر بدی را بر ضد شما می‌گویند، به خاطر من.»^{۱۲} شادمان و خندان باشید، زیرا اجر شما در آسمان بزرگ است، زیرا آنان انبیای پیش از شما را نیز چنین آزار دادند. (متی ۵: ۱۱-۱۲).

پروردگار عیسی در این موعظه، الگویی از نحوه زندگی ما ارائه داد. او «دستورالعمل زندگی» خود را به ما داده است. این ممکن است گیج‌کننده باشد زیرا با روش‌های این دنیا در تضاد است، اما نکته همین است. در این خوشبختی‌ها، ما نگرش‌های او را برای زندگی کشف می‌کنیم. او همچنین در هر زمان کمک خود را از طریق قدرت روح‌القدس برای انجام اراده‌اش به ما عرضه می‌کند. او هنگام درخواست کمک ما برای به نمایش گذاشتن این ویژگی‌های شخصیتی، سریعاً به یاری‌مان می‌آید. او در درون ما کار می‌کند تا ما را به صورت مسیح شکل دهد (رومان ۸: ۲۹).

دعا را به شیوه «نیازمندانه» تمرین کنید: روزتان را با گفتن این به خدا آغاز کنید: «امروز جز نیازم به تو، چیزی برای عرضه ندارم.» این همان فقیر بودن در روح است. این کار ما را از تلاش برای «خودساخته» بودن باز می‌دارد و ما را به «خداپرورده» بودن وامی‌دارد.

یک صلح‌جوی فعال باشید: آیا در زندگی شما رابطه‌ای وجود دارد که در آن سکوت «جنگ سرد» حکم‌فرماست؟ منتظر تماس آنها نباشید. صلح‌جو بودن یعنی ریسک به دست گرفتن ابتکار گفتگو را به جان خریدن، حتی اگر شما آتش را افروخته نکرده باشید.

راهنمای بحث: پیاده‌روی در دامنه تپه با عیسی

۱. دیدگاه «از درون به بیرون»

عیسی به جای اعمال دینی ظاهری، بر «انسان باطن» تمرکز کرد. با نگاهی به فهرست خوشبختی‌ها (متی ۵: ۳-۱۲)، کدام یک از آنها کیفیتی درونی را توصیف می‌کند که دنیا معمولاً آن را «ضعف» می‌داند؟ چرا خدا آن را «قوت» می‌داند؟

۲. معنای «ورشکستگی روحانی»

ما در مورد واژه یونانی ptochos (فقیر درمانده) بحث کردیم. در فرهنگی که به ما می‌گوید «خودساخته»، «قوی» و «مستقل» باشیم، چرا اعتراف به ورشکستگی روحانی در پیشگاه خدا برای ما اینقدر دشوار است؟

۳. قدرت سوگواری

آیا شما خودتان در زندگی‌تان، پس از دوره‌ای از اندوه عمیق یا توبه، تسلی‌ای «برکت‌یافته» را تجربه کرده‌اید؟ آن فصل چگونه رابطه‌ی شما را با روح‌القدس (پاراکلِتوس) تغییر داد؟

۴. قدرت کنترل‌شده

تواضع اغلب به اشتباه به معنای «فرش قرمز پهن کردن برای دیگران» تلقی می‌شود. اگر تواضع در واقع «قدرت تحت کنترل» (مانند یک اسب نر رام‌شده) است، چگونه می‌توانید این هفته در محل کار یا در خانواده خود «متواضع» باشید؟

۵. چرخه رحمت

بار دیگر تمثیل بنده‌ی بی‌بخشش (متی ۱۸: ۲۱-۳۵) را بخوانید. آیا بدهی «صد دینار» (یک آسیب کوچک) از کسی دارید در حالی که خدا بدهی «ده هزار تالنت» شما را بخشیده است؟ یک گام عملی که می‌توانید برای «بخشیدن» او بردارید چیست؟

۶. هزینه پادشاهی

عیسی هشدار می‌دهد که زندگی بر اساس این «نگرش‌های زیبا» ممکن است به توهین یا آزار و اذیت منجر شود (آیه ۱۱). چرا زندگی در مسیر رحمت، پاکی و صلح‌جویی گاهی اوقات واکنش منفی از سوی دنیا برانگیخته می‌کند؟

دعا: ای خداوند، قلبم را نرم ساز تا نیازم به تو را بشناسم. قلبم را لطیف گردان تا بتوانم صدای تو را بشنوم. سپاسگزارم که در این مسیر پیشاپیش من گام نهاده و الگو شده‌ای. همچنین سپاسگزارم که وعده دادی هرگز مرا ترک نخواهی کرد و از من

روی نخواهی گرداند (عبرانیان ۱۳: ۵). راه‌های تو بالاتر از راه‌های ماست. ما را هدایت کن و اشتیاق ما را برای خودت بیفزای. آمین.

کیت توماس

www.groupbiblestudy.com

فیسبوک: keith.thomas.549

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>